

توضیحات مشروح شاه^۱ در باره ناراحتی مقعد صدق الدوله:

شاه در سفارت بود. من و اعضاء سفارت در حضور شاه باقی ماندیم. دکتر «فلاندر» طبیب سفارت را به حضور ملوکانه معرفی کردم. شاه او را نزدیک خود طلبیده و مرا مترجم قرار داد و گفت:

«صدق الدوله» پیشخدمت مخصوص و طرف محبت و اعتماد من می باشد. در محل مخصوصش! ناخوشی دارد و محتاج عملیات می باشد. او را در برلن باقی می گذارم که شما عمل نمایید. بعد اضافه کرد که وقتی شخص دستش را در فلان او می کند، چند سانتی متر بالاتر! و ... کجا... یک غده هست که باید بیرون بیاورید.

هر قدر به فارسی به شاه عرض و اصرار کردم که این شخص جراح است و صدق الدوله را معاینه خواهد کرد و تحقیقات و معاینات لازم را به عمل می آورد، لزومی ندارد که اعلیحضرت نوع و موضع مرض او را اظهار فرمایند و خوب نیست این اظهارات را ترجمه کنم، بی ثمر شد و شاه پس از یأس از من با عصبانیت مهندس الممالک را که حاضر بود مترجم قرار داد و او با یک شرح و بسط فراوان داخله فلان صدق الممالک را برای دکتر تعریف کرد. فلاندر هم با یک تبسم پراز استهزا به آن توضیحات گوش داد و این مسئله همه وقت در خاطر دکتر فلاندر باقی ماند که اعلیحضرت چطور اینگونه اطلاعات از درون فلان موضع پیشخدمت خود دارند؟

^۱ مظفرالدین شاه قاجار

برگرفته از «خاطرات احتشام السلطنه»^۲ به کوشش محمد مهدی موسوی، انتشارات
زوآر، ۱۳۹۲ .

^۲ از رجال دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه